

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

کانون سیاسی پناهندگان- مونستر

۰۶ سپتمبر ۲۰۱۸

با یاد و نام به خون خفتگان راه آزادی و رهائی در ایران و جهان!

در سی امین سالگرد فاجعه نسل کشی از آگاهی در تابستان سال ۱۳۶۷،

انقلاب بهمن ما [دلو] سال ۵۷ نقطه پایانی بر دیکتاتوری سلطنتی در ایران گذاشت. نظامی که در طی قرنهای حاکمیت سلسله های موروثی، قدرت و شکوه خود را نه از آگاهی توده های کار و زحمت که همیشه به عنوان ودیعه ای الهی به نیابت و همدستی کارگزاران و سهامداران سلطنت الهی؛ دستگاه مذهب و سیاست و حفاظتش به دست می گرفت و مشروعیت می یافت. حاکمان نیابتی با به دست گیری سلاح تفتیش عقاید و کشتار آگاهی در جامعه عظیم ترین تحمیل تحمیل جعل و جهل، فقر و فلاکت را فراهم آورده اند.

نظام دیکتاتوری شاه با خلع ید از مشروطیت و خلع سلاح مراکز قدرتش، توسط وسیعترین اقشار توده های محروم کار و رنج و سازمانها و مجامع انقلابی و آزادیخواه درونی اش و نفی مشروعیتش و به واقع خلع قدرت الهی اش از جانب دستگاه روحانیت و بازار؛ این وارثان و شرکاء و همپیمانان قدرت و فرصت طلبش، ازاریکه قدرت به زیر کشیده شد.

نظام اسلامی حاکم در ایران و جمهوریت ناشی از آن، متشکل از همپیمانی اکثریت آیات عظام و حجج اسلام و...، با بیعت احزاب و مجامع شبه بورژوازی؛ حزب ملت ایران، جبهه ملی، نهضت آزادی، حزب توده، سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) و...، با بیعت و پیوستن اکثریت نمایندگان، کارگزاران و... متشکل درقوای سه گانه؛ قانونگزاری، مقننه، قضائیه وقت و بیعت و سازش اکثریت امیران و افسران و درجه داران نیروهای سه گانه ارتش شاهنشاهی و سازمان امنیت و اطلاعات و با تأنید و جانسپاری در راه اسلام و رهبری خمینی و با قدرت گسترده ترین اتحاد عموم طبقاتی نانوشت و متکی بر اعتقاد و توهم و باور جامعه به تاریخ شفاهی عدالت خواهی شیعه و حاکمیت عدل علی و از همه مهمتر در این دوران، با توافقات و پشتیبانی جهانی به قدرت رسید.

نظام حاکم با در اختیار گرفتن نیروهای سازمانیافته به ارث برده، بالاخص کلیت ماشین سرکوب دولتی و سازمان اطلاعات و امنیت کشور، با تمام تشکیلات و اطلاعات و شاه مهرها و بازجویان و شکنجه گران، با تشکیل و به خدمت گرفتن کمیته های انقلاب اسلامی، واحدهای بسیج مستضعفان، پاسداران، انجمن های اسلامی محلات و ادارات و کارخانجات و مراکز نظامی و دانشگاهی و آموزشی، متشکل از هزاران جوان ساده دل جویای کار و نام، توانست توطئه قتل عام چپ ها را با برنامه انقلاب اداری و انقلاب فرهنگی اسلامی و همزمان سرکوب خونین ملیت های متحد

در سرنگونی رژیم شاه، نهالان نوپای آگاهی انقلاب را در سراسر ایران، در کارخانه، مزرعه، دانشگاه، مدرسه، ادارات، ارتش و خدمات، پامال کند.

نظم حاکم با زیر پای گذاشتن تاریخ شفاهی عدالت طلبانه خود و نادیده گرفتن اتحاد و اعتماد وسیع ترین بخش روشنفکران جامعه با تحمیل سرکوب خونین داخلی و دامن زدن به جنگ و ویرانی ۸ ساله ایران و عراق، در پایان جنگ و پس از هزاران هزار کشته و زخمی، ویرانی بخش بزرگی از ایران، ویرانی اقتصاد و فرهنگ پویا، همزمان با پذیرش قطعنامه ۵۸۵ سازمان ملل، در نهایت توحش اندیشه و بربریت قدرت، فرمان قتل عام عموم زندانیان سیاسی و نسل کشی از آنان را توسط خمینی صادر نمود و جلادان و کارگزارانش در طی تابستان سال ۶۷ توانستند بخش بزرگی از گروگانهای به زندان نشسته و کشیده شده را، رهبران، اعضاء و فعالان و هواداران نیروهای آزادیخواه، سازمانهای انقلابی و دیگر نیروهای مترقی تغییرطلب و مخالف سیاست های تروریستی و شبه فاشیستی را از صحنه مبارزه تار و مار نمایند و از هستی برانند و قدرت را در اختیار ولی فقیه و دستگاه های خدمتگزاران، بگذارند.

تنگ بر سلطنت الهی، مرگ بر جعل و جهل قدرت!

بی شک تاریخ بیداری و هوشیاری ایران، مقاومت و ایستادگی قتل عام شدگان؛ این از جان گذشتگان را در روشنگری تاریخ معاصر ایران و نقش ارتجاع و امپریالیسم در به عقب کشاندن جوامع را در سطور خونینش برای آگاهی همگانی، به ثبت خواهد رساند.

آموزش دیدگان مکتب ماکیاولیسم اسلامی و ... در همه جوامع به دستگاه متشکل و عظیمی تبدیل شده اند از مجموعه هایی آگاه از منافع خود که نقش محلان حل تضاد طبقاتی در درون یک سیستم را به عهده گرفته اند. سیستم حفظ مالکیت خصوصی.

در این سیستم نیز مرگ همگانی است. رهبران جاعل، جلاد و خائن و کارگزاران ... می آیند و می روند. مهم هم نیست، همه می میرند. جمعی بارگاه و زیارتگاه می شوند. کثیری به فراموش خانه تاریخ روانه می شوند. ... مهم این است که اثر اندیشه و عملشان در جامعه باقی می ماند.

میراث داران و میراث خواران و سهام داران این سیستم، مزدوران و پاسداران پرواربندی شده شان بر بستر مناسبات این نظم، قدرت ثروت و سرمایه به ارث رسیده را که محصول خیانت به اعتماد و توهم و باور، چپاول و غارت اموال مردمان متوهم و بیت المال عمومی و سرکوب معترضان است را در راه حفظ نظم و مناسبات طبقاتی آن، به کار می برند. فرد می رود و نظم باقی می ماند.

نظمی که در کسب و حفظ ثروت و قدرت و اعمال آن، در حفاظت از تقدس مالکیت بر شیر مرغ تا جان شیفته انسان، در تحمیل جنگ و جعل و جهل و جنایات بی مکافات، در تخریب فرهنگ انسانی، در ایجاد و تحمیل انحراف و انحطاط و انحلال در جنبش های اجتماعی و در مناسبات طبقات، نقشی تعیین کننده داشته است و دارد. نقشی که مرگ هزاران کرم شبتاب در روشن کردن آن، آن را از تاریکخانه حافظه تاریخی به روی صحنه کشانده است و همدستی تاریخی شاه و شیخ و اعوان و انصار شان و دولتهای سود برنده از ادامه کارشان، که پنهان باقی مانده بود را از پرده بیرون انداخته است.

آثار گلوله بر شقیقه، بر چشم و بر دهان و قلب هزاران افتاده بر تخت پزشکی قانونی، آثار شلاق، قمه و چماق و باتوم و شوک الکتریکی، مشت و لگد، چنگ و دندان بر اجساد مثله شده نسل کشی شدگان و بازماندگان شان و در صدای همیشه ماندگار مرگ بر نظام سرمایه داری و زنده باد آزادی، باقی است.

لیست نام پرافتخار هزاران هزار نفر از شریف ترین فرزندان مردم در گورهای دسته جمعی خاوران ها و لعنت آباد ها، در گوشه و کنار خانه ها و باغات ، نام میلیونها نفر از شهدای جنگ در بهشت زهرا ها و قبرستانهای سراسر کشور ، نام میلیونها زخمی جسمانی و روانی که تا همین لحظه از خاطره این دوران ننگین و خونین، خونابه گریه می کنند ، در تاریخ رهایی ایران باقی می ماند.

آثار سایه شوم مالکیت خصوصی سهامداران نظم ؛ کاخ ها و برج ها ، کارخانه و مراکز کار ، دارهای فرش استیجاری و خانه ها، زمین های مزروعی و باغات سرسبز شان بر سفره های از نان خالی میلیونها کارگر و زحمت کش و کوخ نشین و گور خواب ، بر جسم و جهان میلیونها زن اسیر شده در زنجیرهای ستم مضاعف ، بر جان نحیف و رنجور هزاران کودک کار و آینده شان ،... بر جان و روان هریک از من و شما دانسته و یا نادانسته باشیم ، باقی است و می ماند.

نه ! نه می بخشم و نه فراموش می کنیم!

این درد مشترک هرگز جدا جدا ، درمان نمی شود.

خمینی و رفسنجانی و ... در پروسه زندگی تا مرگشان و همینطور خامنه ای ، روحانی ، کروی ، خاتمی ، موسوی و احمدی نژاد و سایر مسؤولان و پرورش یافتگان دامن اسلام و شرکاء در درون مناسبات سیستم به آمران و عاملان جنایت علیه بشریت در چهار دهه گذشته ایران تبدیل شده اند!

تاریخ بیداری ایران دوران ظلمت و سرشار از جنایت و خیانت و حماقت متفکران، انقلابیون و روشنفکران اسلامی عصر خمینی را به ثبت رسانده و خواهد رساند . جنبش بیداری و آگاهی با هر گامی به جلو ، دلائل حضور و ظهور خمینی و سایر چاک دریدگان و درنده خویان را به حافظه تاریخی جامعه خواهد سپرد.

جامعه ایران با آگاهی و دانش و عشق به همنوعان در اتحادی بی مانند ، آزاد خواهد شد. تنها با آگاهی عمیقتر و همگانی جامعه از دلائل بروز این فجایع تاریخی است که دیگر بار، تاریخ جنایت و خیانت و حماقت، تکرار نخواهد شد.

کارنامه چهار دهه سلطنت الهی خمینی و خامنه ای ؛ امامان و رهبران سیاسی و عقیدتی و همدستان و برنامه ریزان و متفکران و مشاوران...شان ، کارنامه عقلائی و عمل جمعی در دوازده دوره ریاست جمهوری اسلامی با وزراء و رؤسای جاعل و جاهل ، اندیشه و عمل جاری در مجالس بزرگ و کوچک قانون گذاری با رؤسا و نمایندگان تحمیلی و انتصابی ، توشیح کنندگان قوانین ضد انسانی و اجتماعی ، ضدملی و تحمیق کننده ، نمایندگانی که حتی خود را نیز نمایندگی نمی توانند و احتیاج به قیم دارند و به قدر کافی دارند، اندیشه و عمل در قوه قضائیه با رؤساء و کارگزاران جانی و دزدش و کارنامه ننگین شان در فاجعه کشتار آگاهی و اعدام معترضان و مخالفان ،...، اندیشه و عمل همه کسانی که تا همین لحظه آگاهانه و داوطلبانه در پوشش ملی ، سیاسی- مذهبی ، توده ای ، چپ و راست و لائیک و... در هر جایگاه کار و دانش و خدمات و ...، در خدمت بقای خود و این نظمند ، لکه ننگی تاریخی بر دامن تک تک شان ، دامن اسلام به روایت خمینی و یاری دهندگانش ، اندیشمندان و فلاسفه و استادان حوزه و دانشگاه ،... و سایر انقلابیون و روشنفکران اسلامی است.

هر چند کشتار دهه شصت به نام روحانیت به ثبت رسیده است اما اعدام ها و ترورها ، جنگ و قتل های عام در این دهه و تا به این لحظه، بدون شراکت و حمایت بورژوازی حقیر، واسطه، زمین خوار و بساز و بنداز ، دزد و رانت خوار و فربه شده در چراگاههای ملی مصادره شده این دوران و بدون حمایت و چراغ سبز و چشم پوشی شرکاء و حامیانشان در سیستم جهانی امپریالیستی ، این فاجعه تاریخی به این وسعت انجام پذیر نمی گردید. تجدید سازمان نظام

جهانی سرمایه داری بر بستر رشد و تکامل و نیازمندی هایش ، گسست قطعی بورژوازی فاسد و گندیده ایران از روند پیگیری مطالبات معوقه انقلاب دموکراتیک و شرکت در سرکوب هرگونه آزادیخواهی و تغییرطلبی تاهمین لحظه ، نکته بسیار حائز اهمیت در وضعیت موجود می باشد.

کسانی که جنایات این نظم را تأیید و عملی قانونی و انقلابی می خوانند، کسانی که با هوچی گری وقوع فجایع این دوران را امری عادی و غیر قابل کنترل در انقلابات رهایی بخش می دانند یا وقوع آن را انکار می کنند ، کسانی که با وقوف و آگاهی از آن، از جامعه و افشار طبقاتی می خواهند که فراموش نکنند اما ببخشند، همه این آدم نشدگان قدرت پرست در یک راستا عمل و اندیشه می کنند. به رهبران شان اقتداء می کنند و تاریخ را جعل می کنند. نه ! نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم. جعل تاریخ و گسترش جهل ، بزرگترین جنایت این سیستم علیه بشریت معاصر است.

بیهوده نیست که زنان و مردان آگاه و جسور در تغییر شرایط و موقعیت تحمیلی، علیه سیستم ضد انسانی و جنایتکارانه حاکم از همان آغاز در مقابلش به اعتراض به پا ایستاده اند و در صحنه اقدام و یا در زندانها در نقد و نفی آن جان شیرین خود را از دست داده اند و هم امروز ، می دهند.

قیام خونین بهمن ماه [دلو] با سرنگونی دیکتاتوری شاه ، فصل تغییر را در تکامل جامعه گشود و به پایان نبرد. آموزگاران تغییر و تکامل جامعه در کمیت محدود، مسؤولانه و همدرد با کارگران و زحمتکشان زخمی و به فقر و فلاکت افتاده این دوران ، به عمیقترین ریشه های جعل و جهل در جامعه و بی بضاعتی اجتماعی و دلایل عقب ماندگی جامعه دست بردند و نقش روحانیت و دستگاه حمایت کننده اش را با تمام فاجعه آفرینی هایش به روی صحنه کشاندند و با نثار هستی خود آن را به تاریخ آگاهی سپردند.

آنانی که در شکست یا پیروزی یک انقلاب نقطه پایان می گذارند، به خود و از دست داده هایشان و به حفظ منافع حقیرشان، به اموال و ثروت ناشی از جنایت و دزدی و چپاول و غارت شان می اندیشند . اینان در صف هر جناحی که ایستاده باشند، حفظ وضع موجود را به بیضه نشسته اند.

هیچ انقلابی هر چند خونین و باشکوه به پیروزی نهائی نمی انجامد و نمی تواند بینجامد. پیروزمندانه نقطه پایانی به یک فصل می گذارد و فصل جدیدی را در مبارزه و جنگ طبقاتی باز می کند که مناسباتش در عمل جمعی جامعه تبلور می یابد.

در یکی از حساسترین لحظات سرنوشت ساز در تاریخ سرزمین مشترکمان ایران ، ایستاده ایم.

لحظاتی که بیش از همه تاریخ ایران به آگاهی فردی و جمعی و اتحاد اشتراکاتشان نیاز دارد.

جامعه ایران از مرزهای جعل و جهل پادشاهان مشروعه و مشروطه و الهی گذشته است . تابو و مقدس در خدمت آگاهی جامعه شکسته و فرو ریخته است و غول زخمی و خسته و بیمار از خواب اغماء بیرون آمده است . می تواند و می توانیم، می توان و باید قدمی به پیش برداریم تا رهایی انسان جای پای مشترک بیابد . تا درمانی برای دردمشترک تاریخی مان بیابیم.

پیروزی نهائی محصول دوران شرکت آگاهانه و مداخله گرانه همه انواع انسان در تعیین سرنوشت خود ، محصول دوران حضور مطالباتی صنفی و سیاسی جنبش های کارگری و اجتماعی در مبارزه و نبرد طبقاتی تا نفی و نقد طبقه و دولت است. دورانی که آگاهی عمومی ناشی از دموکراسی طبقاتی جاری توسط هر جنبه آگاه در آن، کسب شود و در زمین و زمان و اندیشه فردی و عقلانیت اجتماعی جامعه ، نهادینه گردد.

بریده هائی از تاریخ:

یکشنبه ۱۷ تیرماه [سرطان] ۱۳۵۸ روزنامه کیهان می نویسد:

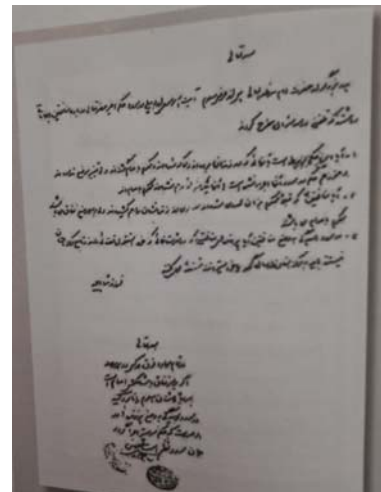
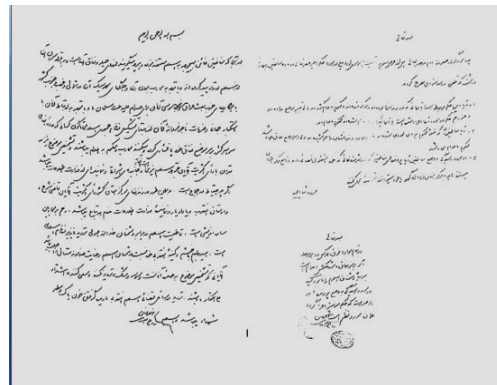
خمینی در ملاقات با گروهی از پاسداران حصارک می گوید:

بسیاری از منحرفین بطور مخفی با هم مجتمع میشوند.... اگر بخواهیم پیروزیمان بآخر برسد چه کنیم تا مثل قضیه هیتلر نشود که محتاج به خودکشی شد.

..... ما باید بفهمیم چرا پیروز شدیم. اگر این را فهمیدیم آنوقت باید کوشش کنیم که همان چیزی را که ما را حفظ کرده، حفظش کنیم!... ما باید فریاد کنیم و جلو برویم. همان فریادهای اله اکبر که کردید و با قدرت الهی پیش بردید... الان ما احتیاج به اله و اکبر بیشتر داریم به اجتماعات بیشتر احتیاج داریم... **[نقل قول ویراستاری نشده است- پورتال]**

خمینی؛ رهبر و سرسلسله سلطنت الهی، بعد از ۸ سال خیانت به اعتقاد و اعتماد مردمان شریف و صادق و دامن زدن به جنگ خائمنسوز ایران و عراق و سرکوب وحشیانه جنبش های داخلی، نگران و وحشت زده از اعتراضات عمومی و رویگردانی جوانان آگاه از شرکت درجنگش، پذیرش قطعنامه ملل متحد مبنی بر به پایان رساندن جنگ را بهانه ساخت و با صدور فرمان قتل عام زندانیان سیاسی، محتاج به خودکشی شد.

متن نامه احمد خمینی به پدرش و پاسخ او



- نامه دستور قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ (بدون تاریخ)
تاریخ قضاوت کرد:

- هیتلر در بزنگاه تاریخی جنگ، "محتاج به خودکشی شد" و قبل از سرکشیدن جام زهر، فرمان کشتار بیش از ۶۰ هزار از زندانیان سیاسی را صادر نمود و اجراء نمودند. خمینی نیز در پایان جنگ ناگزیر جام زهر را سرکشید و به اسلافش، پیشوایان و پیشوا، اقتداء کرد.
- کسب قدرت می تواند با سوء استفاده از اعتقادات ملی و مذهبی، اعتماد و باور و نیاز توده ها به رهبران و پیشاهنگان و آگاهان، با به کارگیری فریب و جعل و جهل در مناسبات طبقات، با جنگ و سرکوب و کشتار و ویرانی و ایجاد و

گسترش ترس و وحشت عمومی به دست آید، اما پیروزی و بهروزی و برابری و همزیستی انسانی جوامع را همراه نخواهد آورد!

چه بیشرمانه و ننگین است که برجهای پیروزی و کاخ های بهروزی و نوروزی همه گونه سودبرندگان از نظم حاکم ، بر ویرانه های آوار شده بر زندگی دیگرانی که عشق و امید و رفاه و امنیت را همگانی می خواهند ، بر پا شود.

در سی امین سالگرد فاجعه نسل کشی از آگاهی در تابستان سال ۱۳۶۷ ،

با نام به خون خفتگان راه آزادی و رهائی در ایران و جهان!

گرامی باد یاد و نام و خاطره پرافتخار زندانیان اعدامی در کشتارهای دسته جمعی دهه ۶۰ که در بیدادگاههای جمهوری اسلامی به نظم فاشیستی حاکم، نه! گفتند و راه رهائی را با ایثار هستی خود هموار ساختند و معنی بخشیدند.

درود بی پایان به همه جان به دربردگانی که تاکنون منفرد و متشکل در داخل و خارج ، در چهار گوشه جهان، سرفراز و استوار در صفوف کار، اعتراض و تغییر، با مقاومت و شهامت آگاهانه ایستاده اند.

با نام و یاد پرافتخار آموزگار کمونیست؛ رفیق سعید سلطانپور !

برقرار باد پرچم پر افتخار آگاهی و رهائی!

ننگ و نفرت ارزانی همه آمران و عاملان جنایت علیه بشریت در ایران و جهان باد!

نابود باد سلطه مناسبات سرمایه و فاشیسم در ایران و جهان!

شهریور ماه [سنبله] ۱۳۹۷ - جهان

کانون سیاسی پناهندگان- مونستر